

وقتی در حال برد هستی از شمشیربازی کناره گیری کن!!!

ترجمه: عباسعلی فاریابی (۱۳۹۷/۱۲/۲۱)

شمشیربازی مناسب همه نیست. ما نمی توانیم تظاهر کنیم که هست، و انتظار هم نداریم کسی در این رشته باقی بماند، به ویژه وقتی شخص می داند که مناسب او نیست. اما چگونه می توانم بفهمیم که این ورزش مناسب مان نیست؟ زمان مناسب برای کنار گذاشتن شمشیربازی کی است؟ چگونه می شود فهمید که شما به دلایل درست تصمیم به کنار گذاشتن آن گرفته اید؟

یک پاسخ بسیار ساده برای این سوال وجود دارد: **تنها زمانی که مرتب برنده می شوید، شمشیربازی را کنار بگذارید.**

اگر فرزند شما در شمشیربازی برنده نمی شود، آیا تصور کناره گیری از آن درست است؟ خیر! هرگز! اگر فرزند شما در شمشیربازی مرتب می بازد، اگر او به طور مداوم در حال چالش است، زمان آن است که بیشتر دقت کنید و پس از یافتن اشکال کار آن را برطرف کنید. شاید به دلیل دوست نداشتن شمشیربازی نباشد، بلکه ممکن است به سبب دوست نداشتن باخت باشد. که دلیل قانع کننده ای برای دوست نداشتن او می تواند باشد (شاید هم یک دلیل منطقی برای دوست نداشتن شمشیربازی نیز باشد، ما قضاوت نمی کنیم).



دلایل مختلفی وجود دارد که ثابت می کند کناره گیری از چیزی به دلیل شکست، ایده خوبی نیست، اما من موقعی که ذهنم درگیر موضوع کناره گیری به سبب باخت می شود، گفت های راکی بالبو در گوشم طنین می اندازد.

"جهان همیشه پر از نور آفتاب و رنگین کمان نیست. این مکان بسیار پست و کثیفی است و اگر به آن اجازه دهید، شما را به زانو در خواهد آورد و شما را به طور دائم در همان حال نگه خواهد داشت. شما، من و یا هرکس دیگر تردید نداریم که سخت تر از زندگی چیزی دیگری وجود داشته باشد. هدف این نیست که در برابر ضربات سخت بتوانید مقاومت کنید، بلکه در عین حالی که سخت ضربه می خورید، به حرکت به جلوی خود ادامه دهید." راکی بالبو

اگر هنگامی که در هر کاری عقب هستید کناره گیری کنید، شما خود را از توانایی برای بازگشت دوباره محروم خواهید کرد. این در مورد اجازه دادن به کناره گیری فرزندان در چنین شرایطی نیز صدق می کند. این حکمت و عقلانیتی است که همه والدین بزرگ شمشیربازی آن را می دانند، و توصیه کوچکی است که ما نتیجه آن را در عمل در باشگاه خودمان دیده ایم.

نصیحتی با ارزش از یک مادر بصیر و آگاه

چند سال پیش، من با یک مادر برخورد کردم که پسرش می خواست شمشیربازی را ترک کند. او برای مدتی درگیر تمرین شمشیربازی بوده و در یک برهه تصمیم گرفته بود که دیگر آن را ادامه ندهد. توجه داشته باشید، ایشان مادر توانمندی بود. یکی از همان مادران شمشیربازی که

بچه خود را در هر موردی که می خواست انجام دهد، پشتیبانی می کرد، به طور معقول مداخله می کرد، و او را تشویق می کرد تا به تعادل برسد.

اما وقتی خواست کناره گیری کند، به او گفت: نه.

این کمی شوکه کننده بود. ایشان از آن نوع مادرانی نبود که نظراتش را به زور به بچه هایش تحمیل کند. او همیشه دلسوز بود. پسرش در مورد ترک شمشیربازی اصرار داشت، و مانند گذشته از آن لذت نمی برد. چرا او به بچه خود اجازه نداد ورزش دیگری که مورد علاقه اش باشد پیدا کند؟ دلیل اجازه ندادن او دقیقا به این خاطر بود که او به حرف هایش گوش می داد و خصوصیات اخلاقی اش را می دانست! و همچنین به این سبب بود که او در مورد زندگی و نتیجه رها کردن هر کاری را، تجربه و اطلاعات فراوانی داشت.



او از پسرش پرسید: "چرا می خواهی شمشیربازی را ترک کنی؟"

او پاسخ داد: "من دیگر شمشیربازی را دوست ندارم. عملکردم مثل گذشته خوب نیست و در چندین مسابقه نتایج بدی را گرفته ام!"

بعد از اینکه او این را گفت یک راه برای ترک شمشیربازی به او پیشنهاد کرد.

"خوب. تو می تونی از شمشیربازی کناره گیری کنی، اما تنها به این شرط که پس از کسب چند برد باشد!"

او به پسرش اجازه نداد که شمشیربازی را رها کند، زیرا او نمی خواست او زمانی که ناموفق بوده یا تمرین برای او سخت بوده است، این کار را بکند. او معتقد بود که موافقت فعلی او به ایجاد یک ذهنیت واگذارنده منفی در فرزندش کمک می کرد، و این چیزی نبود که او دوست داشت. او می دانست که فرزندش می تواند شخصی بهتر از یک آدم ترسو باشد! اگر او واقعا شمشیربازی را دیگر دوست نداشت، او آن را چه موقع باخت و چه موقع برد دوست نخواهد داشت. فقدان موقت موفقیت در مسابقات یک دلیل منطقی برای تصمیم گیری برای ترک دائمی آن نیست.

در نهایت این بازیکن کناره گیری نکرد. او به کلاس آمد. او درس های انفرادی خود را گرفت. مادرش او را به مسابقات می برد و او از سد حریف های جدید و قدیمی می گذشت. و در پایان فصل، این مرد جوان اغلب در صدر میادین مسابقات قرار گرفته بود، و در رده سنی خود برنده یک مدال نیز شد.

اکنون که واضح بود که او روی خط برد قرار گرفته بود، مادرش دریافته بود که او به خوبی متوجه شده بود که مفهوم و حقیقت شمشیربازی برای او بردن حریف شده است، نه باخت مکرر.

اکنون که مادر نیازش را برآورده کرده بود، به او گفت: "کارت عالی بود! حالا حدس می زنم وقت آن رسیده است که شمشیربازی را رها کنی. ما برای شما ورزش دیگری پیدا می کنیم."

او پاسخ داده بود: "نه مادر، وایستا، من دیگر نمیخام شمشیربازی را رها کنم!" من میخام اونو ادامه بدم."

این داستان به عنوان یک داستان واقعی، یک نتیجه واقعی نیز داشت. این پسر در حال حاضر یک جوان بلند بالا و یک شمشیرباز نوجوان خوبی شده است. او هنوز در حال تمرین کردن و مسابقه دادن است، و گاهی اوقات هم می بازد. اما زمانی که شکست می خورد، حتی موقعی که پشت سر هم می بازد، او حاضر نیست شمشیربازی را رها کند. اکنون بعد از هر باختی، این مرد جوان بیشتر دنبال یافتن علل باخت خود می باشد و برای کسب موفقیت انگیزه بیشتری پیدا کرده است.



انعطاف پذیری چیزی است که ما آموزش می دهیم!

تاثیر یک مشکل در کوتاه مدت نباید باعث ترک یک برنامه دراز مدت شود. این نه تنها در مورد شمشیربازی صدق می کند، بلکه در زندگی نیز این چنین است! هرگز به فرزندتان اجازه ندهید به خاطر مواجهه با یک چالش، کاری را ترک کند. این مادر کاملاً کار درستی را انجام داد و کودکش را درست هدایت کرد. اکنون ما خوشحال هستیم که از تجربه او بهره مند شده ایم!

اگر گاهی شمشیربازی برای فرزندتان مشکل شود، و به او اجازه بدهید تا آن را کنار بگذارد، او همین کار را در سایر زمینه های زندگی انجام خواهد داد. اگر در نواختن ویولونسل با چالش مواجه شود کل موسیقی را کنار خواهد گذاشت. اگر در تمرین نقاشی کار او مورد پسند نباشد، کل هنر را ترک خواهد کرد. او در دانشگاه زمانی که صبح، به دلیل کوک نشدن ساعت توسط مادر، دیر بیدار شود و به موقع سر کلاس درس نرسد، از خیر دانشگاه خواهد گذشت. این یک الگوی ادامه دار خواهد شد. در حالی که اجازه دادن به یک کودک دوازده ساله که بعد از دو فصل شمشیربازی را رها کند، ممکن است چیزی کوچکی به نظر برسد، اما به این دلیل که در مسیر کسب موفقیت او با مشکل مواجه شده است، نمی تواند چیز کوچکی باشد. این بخشی از یک فرآیند بزرگتری می باشد.

منظور ما از این پست تدریس مسئولیت نیست، بلکه هدف آموزش دادن به بچه ها است تا چگونه شادی واقعی را پیدا کنند. رسیدن به خوشبختی و تحقق هدف آن به راحتی به دست نمی آید، بلکه نیاز به انضباط و سخت کوشی دارد. زندگی پر از تجربیات "ناموفق" و انتخاب های دشوار است، ترک این گزینه ها وقتی که با سختی روبرو می شویم، رویکرد درستی نیست. بنابراین تنها زمانی که در صدر قرار گرفتی از چیزی کناره گیری کنیدی، زیرا در این صورت خواهید فهمید این کار انتخاب شما بوده و در نتیجه ضعف شما نیست.

هنگامی فرزندتان یا خودتان را وادار می کنید تا با شمشیربازی کنار بیایید، تا زمانی که بتوانید برنده شوید، شما به ریشه این مسئله پرداخته اید و انعطاف پذیری مورد نیاز را ایجاد کرده اید. زیرا که بیشتر پیروزی های درخشان ما تنها بعد از شکست به وجود می آید. و همان طور که در مورد آن شمشیرباز دریافتیم، ممکن است شما هم بعد از چنین چالش هایی همین نتیجه را بگیرید و حتی آن فعالیت را بیشتر دوست خواهید داشت!